

تربیت حماسی

تدوین: محمد عالم‌زاده نوری

ایده تربیت حماسی اول بار در آستانه دهه چهارم انقلاب، توسط حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی اکبری نماینده رهبری در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی طرح شده است. جرقه‌های اولیه این ایده در سال‌های آغازین دهه هشتاد زده شد؛ درست زمانی که فضای کشور به ویژه نوجوانان و جوانان تحت تأثیر شعارهای رنگارنگ و فریبنده وارداتی قرار گرفته و به میراث ماندگار انقلاب اسلامی، امام و شهیدان بی‌اعتنایی می‌شد. در این شرایط «جنبش دانش‌آموزی» در برابر «استحاله هویتی» و «تربیت حماسی» در برابر «تربیت منفعل و گل‌خانه‌ای» مطرح گردید.

مهم‌ترین منبع مکتوب برای آشنایی با تربیت حماسی شماره ۱۴ از دوماه‌نامه خیمه معرفت (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹) نشریه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان است که در آن تلاش شده این ایده از زوایای گوناگون تبیین شود. موفق‌ترین بخش این نشریه در تبیین مفهوم «تربیت حماسی» مصاحبه‌ای با حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌علی اکبری، پدیدآورنده این گفتمان و صاحب این ایده است که با عنوان «تربیت حماسی؛ چیستی و چرایی» در صفحات ۱۸۶ تا ۲۰۹ آن منتشر شده است. پس از آن، مقاله «تربیت از نوعی دیگر» اثر مسعود دیانی (ص ۲۱۶ تا ۲۲۷) مهم‌ترین گزاره‌ها را در این باره عرضه کرده است. سایر مقالات این نشریه به دیگر مؤلفه‌های تربیت حماسی مانند حماسه، بصیرت، همت بلند، قهرمانی، شهادت‌طلبی، جهاد، حق‌محوری، تسلیم در مقابل ولی، امر به معروف و نهی از منکر، آرمان‌گرایی، انتظار و جوانمردی پرداخته است. سرمقاله این نشریه با عنوان «چرا تربیت حماسی؟» نوشته آقای حمید مشهدی آقایی نیز از مهم‌ترین بخش‌های این نشریه به‌شمار می‌رود. مقاله حاضر خلاصه‌ای از مهم‌ترین گزاره‌های مندرج در آن نشریه در تبیین تربیت حماسی است.

ویژگی‌های تربیت حماسی

- تربیت حماسی با الهام از الگوهای عاشورایی، سیره تربیتی مدرسه اسلامی است. در این مدرسه جوان مسلمان همچنان که مهرورزی با بندگان خدا را می‌آموزد و تمرین می‌کند، مقاومت و شدت در برابر دشمنان اسلام و بشریت را نیز فرا می‌گیرد.
- بنا نیست به بهانه وصف حماسی همه ارزش‌ها را جمع‌آوری کنیم. این یک وصف استراتژیک برای تربیت است؛ نه بهانه‌ای برای بیان ارزش‌ها و یک قالب فرهنگی جدید برای مدعیات قبلی. یک نخ تسبیح است برای فضیلت‌ها و ارزش‌های انسانی نه کیسه و مخزنی برای جمع‌آوری آنها.

- در این تربیت سهم خود متریبی زیاد است و با مشارکت فعال او صورت می‌گیرد؛ تربیتی پویا و فعال که سهم اصلی تربیت به خود عنصر تربیت شونده داده می‌شود.
- این تربیت از نوع شدن است نه تحمیل؛ یعنی شخص باید بشود و ببالد. خودش انتخاب کند و درگیر شود نه اینکه او را ببرند.
- آثار تربیت حماسی در مواقع سختی و بحران نمایان می‌شود. استقبال از شرایط سخت و فرار نکردن از میدان و وظیفه، نشانه تربیت حماسی است.
- ما در عصر سرعت زندگی می‌کنیم و باید تربیت ما نیز سریع نتیجه دهد. سرعت شکفتن استعدادها با این نوع تربیت، اعجاب‌انگیز است.
- این تربیت مشتمل بر ویژگی‌هایی است که به شدت مورد پسند فطرت جوانی است. (قهرمان‌دوستی، شجاعت، هیجان‌طلبی و...)؛ عشق به قهرمانی و میل به سلحشوری بر گرفته از اجتماع نیست؛ بلکه در سرشت و فطرت مطلق طلب انسان و در دل و جان او ریشه دارد.
- تربیت حماسی یک الگوی مجاهد‌پرور است.
- تربیت حماسی زمزمهٔ مغموم منفی بافی را به نعرهٔ سهمگین حماسه و جهاد تبدیل می‌کند؛ جهاد با نفس و جهاد با احاطهٔ ساختارهای باطل.
- تربیت حماسی از جنس سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شخصیتی و کاملاً عمیق و درون‌گراست و به عبارتی درون‌سازی می‌کند نه ظاهر‌سازی و منفعت‌جویی.
- تربیت حماسی بر خودآگاهی مبتنی است؛ در مقابل تربیت منفعل که بر ازخودبیبگانگی مبتنی است.
- مدرسهٔ ممتاز تربیت حماسی مدرسهٔ عاشورا است؛^۱ دفاع مقدس نیز فرصتی بود برای اینکه آموزه‌های مدرسهٔ عاشورا متناسب با زمان و شرایط کنونی مجدداً عملی شود و به ظهور برسد که به عنوان یک گنجینهٔ تمام‌نشدنی و میراث جاودانی باید بدان نگریست. بسیج و جهاد سازندگی مدل‌های مبتنی بر تربیت حماسی هستند.
- تربیت حماسی خواسته‌های پایان‌ناپذیر متریبی را مهار می‌کند و او را مستقل می‌سازد. اگر این خواسته‌ها همچنان ادامه یابد متریبی حتی در سن استقلال هم وابسته باقی می‌ماند.

تربیت حماسی چه چیز نیست؟

- برای شناخت تربیت حماسی از باب «تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا» به مقابلات آن نیز می‌پردازیم.
- تربیت حماسی منحصر در عملیات استشهادی و رفتارهای جنگجویانه نیست. صرفاً پرورش نیروهای رزمنده و سلحشور در عرصه نظامی نیست.

^۱ عاشورا یک حماسه است و گریه بر امام حسین رثای یک قهرمان حماسی است نه رثای یک آدم نفله شده بیچاره بی‌دست و پای مظلوم.

- تربیت حماسی اختصاص به شرایط جنگ ندارد؛ در فصل صلح و آرامش هم معنا و نمود دارد.
- تربیت حماسی تربیت منفعل و گلخانه‌ای نیست.
- تربیت حماسی تربیت تسلیم‌خواه و محدودکننده نیست.
- تربیت حماسی تربیت راکد، ساکت و خاموش نیست و یک انسان مظلوم محجوب بی‌زبان نمی‌پرورد.
- تربیت حماسی تربیتی پرستارانه که دائم باید به تربی رسیدگی شود و به جای تربیت نسل مسئول، نسلی مطالبه‌گر و پرتوقع تحویل می‌دهد نیست.
- تربیت حماسی ایستادگی بر موضع باطل و پافشاری بر ناحق نیست؛ بلکه گاهی مشتمل بر عقب‌نشینی و تغییر مسیر است (توبه حماسی).

حماسه

- مراد از حماسه، در عبارت «تربیت حماسی» حماسه معرفتی است نه حماسه مزاجی و حماسه کور! حماسه مزاجی نوعی روحیه غیرمعرفتی در افرادی است که از نظر ساختار روانی و شخصیتی بی‌باک و متهور و جسور و جنگجو و ماجراجو و معترض و مبارز هستند؛ بدون اینکه عنصر معرفت در آنها وجود داشته باشد. این حماسه، اقتضای مزاجشان است و از مقوله کله شقی و خطر کردن!
- حماسه حاصل لجاجت و صرفاً متفاوت بودن نیست. ثمره آگاهی است. در حماسه، خستگی و استیصال از فضای بحران‌زده موجود فرد را به مرز خشونت و رادیکالیسم نکشاند و از کوره در نبرده است.
- حماسه رود طغیانگری نیست که در مسیر خود آهنگ نابودی بنوازد؛ بلکه مانند سدی است که در مرحله آبگیری ساکت و آرام و در مرحله آبدهی خروشان و موج است.
- تمایزی ظریف بین ماجراجویی و حماسه وجود دارد. نهضتی که انسان‌ساز و جامعه‌ساز است در مقاطعی سکوت و فروخوردن خشم نیز در آن توجیه می‌یابد. این سکوت و قرار نیز عین حماسه است.
- حماسه بی‌اختیار شدن، از خود بی‌خود شدن، از حال طبیعی خارج شدن، عکس‌العمل هیجانی نشان دادن و از کوره در رفتن و عصبانیت نیست. حماقت و بی‌تدبیری و جهالت نیست. تماماً عقلانیت و آگاهی است. آزادی و رهایی از اسارت غضب و خواسته‌های فریبای دنیوی است.
- حماسه غالباً در شرایطی شکل می‌گیرد که حماسه‌سازان نسبت به جریان مقابل در حالتی از مظلومیت قرار دارند. امکانات و توانمندی‌های مادی و مالی‌شان بسیار کمتر از جریان روبروست و عدّه و غده‌شان برابری نمی‌کند. در اقلیت‌اند و کفه ترازو به نفع طرف دیگر می‌چربد. با محاسبات ظاهری همه چیز به نفع طرف مقابل پایان می‌یابد و امیدها در معرض ناامیدی قرار دارد. در چنین شرایطی حماسه‌سازان فراتر از امور عادی و طبیعی قرار می‌گیرند و کاری کارستان می‌کنند. به این جهت حماسه‌سازان برای اهل دنیا قابل پیش‌بینی نیستند.

- حماسه‌سازان با وجود کمبود امکانات مادی با شجاعت و استقامت و آرمان‌خواهی اثری خلق می‌کنند که با محاسبات عادی و رایج سازگاری ندارد.
- حماسه نوعی گرایش جان‌بخش به باورهای بی‌جان است که همراه با شدت و صلابت و استواری است. وقتی رایحه متعفن سکوتِ باورمندانِ خاموش استشمام می‌شود، بیشتر اهمیت روح‌بخشی به باورها معلوم می‌گردد.
- حماسه نقطه اتحاد عقل و عشق است و تفکر را به عمل می‌کشاند.
- حماسه از جنس عمل است؛ عملی با خصلت‌های ویژه در شرایط خاص.
- حماسه تنها در ساحت نظامی نیست. حماسه علمی، حماسه اجتماعی و سیاسی، توبه‌حماسی، صلح‌حماسی و ... نیز از مصادیق حماسه است.
- گاهی حماسه در صلح است و سکوت. صلح امام حسن؛ پرافتخارترین و پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، یک حماسه است.
- حماسه با تهور و بی‌باکی - و نه شجاعت - معنا نشود. خوارج و طالبان حماسه‌ساز نیستند.
- حماسه شعارهایی تحریک‌کننده که به دنبال قدرت و ثروت و غنیمت شکل گرفته باشد نیست.
- حماسه برخاسته از فوران عاطفه و جوشش‌های مقطعی و موسمی احساسات نیست که به خاطر انفجار و آزادی نیرو، یا همراهی و رقابت یاران، یا راحتی و سراسیمگی راه، یا لذت جدید بودن و تازگی کار، شور و سرعت آن بیش از دقت و نظارت و بررسی باشد.
- حماسه همواره الگوپذیر و قابل توصیه است نه خیالی و اغراق‌آمیز.
- حماسه از لحاظ روحی غیرت، حمیت، شجاعت و سلحشوری را تحریک می‌کند و از لحاظ بدنی خون را در عروق به جوش می‌آورد و به بدن نیرو، حرارت، چابکی، چالاکی و حیات تازه می‌بخشد و حس مقاومت و روحیه انقلاب و شور ایجاد کند.^۲ حماسه رخوت را از بدن‌ها گرفته و روح‌ها را به حرکت درمی‌آورد.
- حماسه، الهام‌بخش عظمت و افتخار است و محرک روح سلحشوری نه الهام‌بخش زبونی و بدبختی و تسلیم در مقابل حوادث.
- مراد ما از حماسه، حماسه الهی و مکتبی است نه حماسه نژادی و ملی و وطنی.^۳

ویژگی‌های آدم غیرحماسی

^۲ ر.ک: شهید مطهری؛ مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۳۰.

^۳ مدیریتی که فقط به عمل و کارایی توجه دارد از هر انگیزه‌ای و هر راهی استفاده می‌کند و در برابر فشارهای وجدانی، مسئولیت را به سازمان واگذار می‌نماید و خود را راحت می‌کند. اما اگر رفعت انسان مقصود باشد، باید به انگیزه‌ها توجه کرد و از انگیزه‌های شخصی، قبیله‌ای، ملی و حتی از تجارت بهشت و ترس جهنم هم دست برداشت.

- خمود و ساکن و بی تفاوت
- آرامش طلب؛ دائم نیازمند استراحت، رکود و سکون
- محافظه کار و دم‌غنیمت‌شمار، آسته برو، آسته بیا که گربه شاخت نزنه!
- ملاحظه گر و منفعت‌گرا، مصلحت‌جو، ظاهر‌گرا و ظاهر‌ساز
- نسل شکموی نازپرورده و نازک‌نارنجی که همواره باید اسباب رفاه و امکانات برایش فراهم باشد تا اقدامی کند؛ همه باید وظایف خود را انجام دهند تا او اندکی حرکت کند.
- متوقع و طلب‌کار که همه چیز باید در دسترسش باشد و همه کس در خدمتش! هیچ‌ناملایمی را بر نمی‌تابد و همه چیز را به وفق مراد می‌خواهد.
- نر، سوسول، بچه‌ننه
- اظهار مصائب و ابراز ناتوانی و احساس بدبختی
- احساس حقارت و ضعف و ناتوانی در برابر سختی‌ها و مشکلات
- تنها هنرش اعتراض و تق و ناله و منفی‌بافی از سر ضعف
- بی‌شخصیت، زبون، توسری‌خور، دارای صفت بردگی و چاپلوسی
- بی‌مسئولیت و مسئولیت‌ناپذیر
- نسل لذت‌جوی رفاه‌طلب و آسایش‌خواه
- حیوان‌صفت و گوسفند‌مزاج؛ کالبهیمه‌المربوطه؛ هم‌ها علف‌ها
- برده‌صفت و گداصفت
- راحت‌طلب و تنبل
- ترسو و شکننده، روحیه‌بادکنکی
- کم‌تدبیر و کم‌تحمل؛ آنان که در زندگی درگیری و مشکل ندارند طبیعتاً کم‌تدبیر و کم‌تحمل بار می‌آیند. تجربه مشکلات، خود نعمت است.
- مؤمن قاعد و در مرز نفاق.
- دین‌داری که می‌خواهد از مواهب دین و زندگی دینی بهره‌مند باشد و نگاه انتفاعی و بهره‌بردارانه به دین دارد اما مهبای تقویت دین و سرمایه‌گذاری برای آن نیست!
- ضعیف و خودباخته و ناامید و گرفتار چه کنم!
- معاف از مسئولیت‌های جدی زندگی تا مدت‌های زیاد

ویژگی‌های متربی به تربیت حماسی

• وارستگی: ریشه تربیت حماسی

- بی تعلقی، تعلق ناپذیری
- آزادمنشی و حریت
- شجاعت و جسارت نه محافظه کاری و منفعت جویی
- هجرت در انفس و آفاق: کسانی که برای حفظ ایمان شان از شرایط شیرین و دلخواه به شرایط سخت و طاقت فرسا هجرت می کنند؛ از شرایط هماهنگ با شهوت ها و خواسته های نفسانی به شرایط دشوار می گذرند.
- منطق ایثار و مجاهدت و از خود گذشتگی، بیرون آمدن از خود
- فتوت
- پرهیز از رفاه طلبی و دنیا گرایی و آرامش جویی و عافیت طلبی و راحت خواهی
- سرمایه گذاری برای ایمان، آرمان و مقصد بلند (که ایمان را آبدیده می کند و انسان را متصف به صدق)
- نقطه مقابل خودمحوری و نفس گرایی
- منطق مقابل خودپرستی و خودخواهی
- مستلزم فداکاری و قربانی کردن منفعت برای حقیقت و تعالی
- مناعت طبع، دوری از طمع و دنیا طلبی
- نگاه غیر کاسب کارانه و غیر متوقعانه به دین
- آماده برای سرمایه گذاری
- آماده برای شهادت، شهادت طلبی
- مردانگی و آزادگی نه بردگی و ترس
- تکلیف محور نه نتیجه محور

• تلاش

- جد و جهد و اجتهاد
- عمل، سعی، سرعت، سبقت و اعتدال^۴
- فعالیت شورانگیز
- اقدام و قیام

^۴ سعی نسبت عمل با توانایی است، سرعت نسبت عمل با زمان است، اعتدال نسبت عمل با حدود است و سبقت نسبت عمل با عمل دیگرانی که در راه هستند. همه این موارد از مقوله عمل است، در همه این موارد عمل افزایش می یابد.

- کار بی‌وقفه و عاشقانه و خستگی‌ناپذیر
- کوشش و حذر از ناامیدی و سستی و تنبلی
- همت و کار مضاعف
- پرهیز از شرایط عادی و یکنواخت و روزمرگی
- جهش، نهضت، جنبش، خیزش، درهم شکستن مرزها...
- استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی نه اکتفا به کمترین حد و رفع تکلیف و اختصاص حداقل انرژی به یک کار
- نقطه مقابل فرارکردن از صحنه‌های دشوار و درگیری، خود را کنار کشیدن و تماشاچی شدن، به میدان نیامدن و از بالای گود فرمایش صادر کردن، گوشه‌گیری و سلب مسئولیت‌های فردی و اجتماعی از خود!
- مسئولیت و سازندگی
- احساس تعهد و تکلیف در قبال ظهور
- مسلکی زیستن و احساس رسالت
- کوشش مؤمنانه در مسیر تحقق آرمان‌های انقلابی و توحیدی و اهداف دینی
- کم توقعی و پرکاری (خفیف المؤمنه و کثیر المعونه)
- شادابی و تقویت جسم و روح

● تحمل سختی‌ها

- استقامت، صبوری و شکیبایی
- تحمل سختی‌ها
- صلابت و استحکام
- آمادگی برای مقاومت و مبارزه
- شدت و مقاومت

● آرمان‌شناسی و آرمان‌خواهی

- همت بلند
- روح دارای ایدآل
- دارای مقصد عالی
- دل در گرو اصلاح جهان و موعود نهایی

● انقلابی بودن

- جهاد فی سبیل الله و زندگی جهادی
- مبارزه؛ درگیری با دشمن و موانع حرکت
- روحیه و عمل انقلابی، تنوری و پرشور
- سلحشوری و حماسه‌سازی
- عنصری فعال و پویا نه ضعیف و خودباخته
- روحیه انتخاب و اختیار و اراده؛ نه انفعال و تسلیم در شرایط
- فعال، تأثیرگذار و رو به تعالی و پیشرفت
- تلاش از سر عشق به هدفی والا
- پرهیز از سکوت و خمودی و ترس و طمع و رکود
- عنصر فعال و اثرگذار نه منفعل و ساکت و راکد که عُرضه حضور اجتماعی و مواجهه با جامعه را ندارند.
- جنم و جریزه و جسارت و شور و صلابت و قدرت و شکوه و عظمت
- روحی بی‌قرار و پرحرارت
- جوشش، بالندگی، شکوفایی
- قیام در حفظ دین
- واقع‌گرا و نه واقع‌گریز؛ خانه بنا کردن در متن جامعه و زیر آتش‌فشان نه در کنج عزلت و غار تنهایی!
- قدرتمندی و توانایی
- اعتماد به نفس، قدرت تصمیم‌گیری، قدرت مواجهه با بحران و مدیریت آن
- شجاعت، خطرپذیری و ورود در میدان
- انسان‌ساز و جامعه‌ساز و تاریخ‌ساز و پر سوز و گداز
- احساس مسئولیت اجتماعی
- روحیه متموجی از عظمت، حس دفاع از حقوق و عدالت‌خواهی
- حرکت، شور، انگیزه، پرهیز از بی‌تفاوتی، حضور در میدان و حضور در سنگر
- همراه مهدی (عج)، نه تنها چشم به راه مهدی (عج)

• تبری

- منطق تهاجم به کیان ظلم در مقابل منطق سیاسی بازی و سازگاری و معامله و مدهانه و منطق حساب گرانه و انتفاعی
 - غیرت دینی و بی تفاوت نبودن در مقابل زیر پا گذاشتن حدود الهی
 - دائم در فکر ضربه زدن به اندیشه‌های کفرآلود و منطق کفر و شرک و نفاق و درگیر شدن با طاغوت
 - داشتن مرزبندی با جبهه کفر و شرک و نفاق، صف آرای و مواجهه با یک جبهه
 - امر به معروف و مقابله با منکر
 - مواجهه با چالش‌ها و عکس‌العمل نشان دادن در مقابل زشتی‌ها
 - داشتن مرزهای روشن، خط داشتن، دشمن داشتن
 - دفاع از حق
 - اصلاح طلبی؛ یعنی ناهنجاری‌ها و انحرافات را می‌بیند و بر علیه آن می‌خروشد و می‌شورد.
- برای تربیت حماسی بر طبق مبانی اسلامی باید نهادسازی کرد. یک ایده ناب انقلابی را نباید به دست ساختارهای کهنه فرسوده و محافظه کار سپرد؛ این نهادها به جای احیا و پیشبرد آن ایده، رکود و خاموشی و بی‌خاصیتی می‌آفرینند. مشوق‌های مادی در نهادهای غربی، این مدل تربیتی را به مذبوح می‌برد.